میزخبر

روزشمار اجرای متناسب‌سازی حقوق بازنشستگان تأمین اجتماعی از تأمین منابع تا صدور احکام

براساس قانون برنامه هفتم توسعه درحالی اجرای متناسب سازی مستمری بازنشستگان از ابتدای امسال لازم‌الاجرا شد که سرانجام پس‌ازگذشت ۷ ماه باتأمین منابع لازم‌ازسوی سازمان برنامه‌وبودجه ،اکنون صندوق بازنشستگی کشوری وارد مرحله محاسبه و صدور احکام اصلاحی ناشی ازاعمال متناسب سازی شده این درحالی است که هنوز، منابع لازم برای اجرای متناسب سازی مستمری بازنشستگان تأمین اجتماعی تأمین نشده و این سازمان برای تأمین منابع همچنان در حال رایزنی با مجلس و دولت است.

به گزارش ایسنا، قانون‌گذاران درحالی در ماده ۲۸ قانون برنامه هفتم توسعه به متناسب‌سازی مستمری بازنشستگان کشوری وتأمین اجتماعی پرداخته‌اند که در این میان براساس جزء یک ماده ۲۸، به متناسب‌سازی حقوق بازنشستگان صندوق بازنشستگی کشوری با ۹۰ درصد حقوق و فوق‌العاده‌های مشمول کسور شاغل همتراز اشاره شده است، به‌طوری که براساس جزئیات این ماده قانونی، به‌منظور برقراری عدالت در پرداخت حقوق شاغلان و بازنشستگان و نیز متناسب سازی حقوق بازنشستگان با ۹۰ درصد حقوق وفوق‌العاده‌های مشمول کسور شاغلان مشابه وهمتراز، دولت مکلف شده تا پایان سال سوم برنامه اقدام لازم را به عمل آورد که البته این افزایش هم از سال ۱۴۰۳ در سال اول معادل ۴۰ درصد و در سال‌های دوم و سوم هرکدام ۳۰ درصد و مابه‌التفاوت تا ۹۰ درصد یادشده خواهد بود.

به عبارتی میزان ۹۰ درصد حقوق شاغل همتراز به‌گونه‌ای است که در سال اول ۴۰ درصد، در سال دوم ۷۰ درصد و در سال سوم برنامه ۱۰۰ درصد این ۹۰ درصد پرداخت می‌شود که برای اعمال متناسب سازی حقوق بازنشستگان و اعمال ۴۰ درصد شاغل همتراز در حقوق بازنشستگان طی سال اول یعنی در سال ۱۴۰۳، به ۴۸ هزار میلیارد تومان بودجه نیاز است.

درهمین راستا، برای اجرای متناسب سازی حقوق بازنشستگان درمردادماه آیین‌نامه اجرایی متناسب سازی حقوق بازنشستگان توسط سرپرست ریاست جمهوری ابلاغ و براساس ماده ۴ آن، سازمان اداری و استخدامی و سازمان برنامه وبودجه مکلف شدند تا ظرف دوماه و با همکاری دستگاه‌های اجرایی وصندوق بازنشستگی ذی ربط، دررابطه بامشمولان قانون مدیریت خدمات کشوری، قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت، قانون استخدام کشوری و سایر دستگاه‌های دارای قوانین و مقررات خاص استخدامی که پرداخت حقوق ومزایای کارکنان آنان مشمول دریافت مجوزیانظارت سازمان اداری و استخدامی است، جداول مربوط به نحوه شناسایی و طبقه‌بندی بازنشستگان را براساس مبلغ کسورپرداختی توسط شاغلان مشابه و همتراز در پایه، رتبه، مرتبه، طبقه، درجه، گروه و یا سایر عناوین مشابه و با ملاک ۳۰ سال سابقه بیمه‌پردازی تهیه کرده و به صندوق بازنشستگی ذی‌ربط ابلاغ کنند، به‌نحوی‌که با توجه به تنوع گروه‌های شاغلین و بازنشستگان نظیر فرهنگیان مشمول رتبه‌بندی، اعضای هیئت‌علمی و قضات، جداول به‌طور جداگانه تنظیم و ابلاغ شود.

از آنجایی هم که اطلاعات شاغلان همتراز بازنشستگان در اختیار سازمان اداری و استخدامی و دستگاه‌های اجرایی بوده، قرارشد برای این اقدام دو سازمان، اطلاعات شاغلان را از دستگاه‌های متبوع هر بازنشسته دریافت کرده و صندوق بازنشستگی کشوری نیز اطلاعات بازنشستگان متناظر همان دستگاه را برای تهیه جداول مربوط به نحوه شناسایی و طبقه‌بندی بازنشستگان در اختیار این دو سازمان قرار دهد.

درنهایت معاون فنی و بیمه‌ای صندوق بازنشستگی کشوری اعلام کرد که پس از دریافت جداول متناسب‌سازی حقوق بازنشستگان تحت پوشش صندوق از سوی سازمان اداری و استخدامی و تأمین منابع لازم از سوی سازمان برنامه‌وبودجه، این صندوق وارد مرحله محاسبه و صدور احکام اصلاحی ناشی از اعمال متناسب‌سازی شده است.

فیضی نژاد در خصوص پرداخت حقوق مهرماه بازنشستگان این صندوق و مابه‌التفاوت ناشی از اعمال متناسب‌سازی، اظهار کرد: با رایزنی‌ها و هماهنگی‌های انجام‌شده، منابع لازم تأمین و حقوق افراد بازنشسته در دو مرحله شامل حقوق و مبلغ ناشی از اجرای متناسب‌سازی مهرماه واریز می‌شود.

با صدور احکام اصلاحی متناسب‌سازی حقوق بازنشستگان کشوری، مبلغ مابه‌التفاوت ناشی از اجرای قانون مذکور در ۶ ماه گذشته نیز محاسبه و پرداخت خواهد شد.

اما درخصوص بازنشستگان تأمین اجتماعی که به موجب جزء ۲ بند «ر» ماده ۲۸ قانون برنامه هفتم توسعه درخصوص اجرای متناسب‌سازی، صراحتا در راستای اجرای ماده ۹۶ قانون تأمین اجتماعی با اصلاحات و الحاقات بعدی، سازمان تأمین اجتماعی مکلف شده تا در طول سه سال اول برنامه نسبت به متناسب‌سازی مستمری بازنشستگان «غیرحداقل بگیر» اقدام کند، به‌نحوی که در پایان سال سوم برنامه، نسبت مستمری بازنشسته به حداقل دستمزد همان سال، با ۹۰ درصد نسبت اولین مستمری بازنشستگی به حداقل دستمزد سال برقراری مستمری، متناسب شود، باید گفت که هنوز منابعی برای اجرای این موضوع تأمین نشده است.

البته ازآنجایی که درقانون فقط غیرحداقلی بگیران مورد هدف قرارگرفته‌اند و باتوجه به این‌که حداقلی بگیران سازمان تأمین اجتماعی حدود ۷۰ تا ۷۵ درصد بازنشستگان این سازمان را تشکیل می‌دهند، به جهت جلوگیری از اعتراض بازنشستگان مورد نظر، لایحه اصلاح متناسب سازی حقوق بازنشستگان در مردادماه سال ۱۴۰۳ به مجلس شورای اسلامی ارائه شده است.

البته در تیرماه امسال سازمان تأمین اجتماعی، ۱۲ هزار و ۶۰۰ میلیارد تومان به‌صورت علی‌الحساب متناسب‌سازی حقوق بازنشستگان وکمک‌معیشتشان را طی یک مرحله واریز کرد، اما منابع لازم برای اجرای این متناسب سازی حدود ۴۰ هزار میلیارد تومان است که دولت براساس سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی ابلاغی مقام معظم رهبری، باید محل تأمین این بودجه را پیش‌بینی و تأمین کند.

این درحالی است که مصطفی سالاری، سرپرست سازمان تأمین اجتماعی بیان داشته «برای متناسب سازی به منابعی نیاز داریم که از طریق رایزنی با مجلس و دولت به دنبال تأمین آن هستیم. به جد به دنبال این هستیم تا هم منابعی برای پرداخت‌های متناسب‌سازی تأمین کنیم و هم مصوبات لازم و مجوز قانونی این پرداخت‌ها را هم بگیریم.»

رانندگان قانونمند تشویق می‌شوند

رئیس پلیس راهور فراجا گفت: رانندگان قانونمند در طرح‌های جدید پلیس، تشویق می‌شوند.

سردار سیدتیمور حسینی در گفت‌وگو با ایسنا با اشاره به رتبه‌بندی رانندگان، گفت: در بررسی‌های پلیس مشخص شد که برخی رانندگان بسیار قانونمند و ایمن رانندگی می‌کنند و تعداد کمی از رانندگان تخلفات سنگین انجام می‌دهند.

وی افزود: تکلیف ما با رانندگان متخلف مشخص است و طرح‌های برخوردی و اعمال قانون با آن‌ها صورت می‌گیرد. اما ما قصد داریم طرح‌های جدیدی را ایجاد کنیم.

رئیس پلیس راهور فراجا ادامه داد: طرح‌های جدید ما برای تشویق رانندگان قانونمند خواهد بود. به این صورت که این افراد نیز حس ارزشمندی داشته باشند و بیشتر و ایمن‌تر رانندگی کنند.

حسینی گفت: موضوع رتبه‌بندی رانندگان یکی از طرح‌های تشویقی ماست که براساس رفتاری که رانندگان از خود بروز می‌دهند و براساس شاخص‌های مبتنی برقوانین این رتبه‌بندی انجام می‌شود و نهایتا رانندگانی که موفق به کسب رتبه یک، دو و سه شده‌اند از امتیازات بسیار ویژه‌ای باید برخوردار شوند.

وی افزود: برای مثال راننده‌ای که رتبه یک را دریافت کرده هنگام اخذ انواع بیمه‌ها باید با کسی که رتبه ندارد اختلاف بسیار زیادی داشته باشد و این مورد باید در عوارض، مالیات و... نیز دیده شود. هنگامی که فردی ببیند با انجام رفتار درست ترافیکی می‌تواند چنین امتیازاتی را دریافت می‌کند و اختلاف افراد قانونمند و قانون گریز بسیار زیاد می‌شود قطعا در روند اصلاح رفتار ترافیکی قرار خواهیم گرفت. ان شاءالله پس از پایان مطالعات و اجرای آزمایشی این طرح، جزئیات بیشتری نیز منتشر می‌شود.

رئیس پلیس راهور فراجا در خاتمه با اشاره به کاربران ترافیکی که بی‌تفاوت هستند، اظهار کرد: امیدواریم با اجرای این طرح‌های تشویقی، رانندگان بی‌تفاوت نیز به سمت رعایت هرچه بیشتر قوانین راهنمایی و رانندگی تشویق شوند.

حادثه معدن طبس؛ قصور در نظارت و بی‌اعتنایی به هشدارها

انفجار در معدن زغال‌سنگ «معدنجو»

طبس که ۳۱ شهریورماه در پی تصاعد آنی گازمتان در تونل‌های معدن رخ داد، یکی از مرگبارترین حوادث معدنی کشور در دهه‌های اخیر به شمار می‌رود که به جانباختن ۵۲ نفر و مصدومیت ۲۰ نفر منجر شد. حادثه‌ای که با سایر رخدادهای مشابه دارای یک نقطه مشترک است، آن هم نبود نظارت مؤثر و عدم آموزش‌های ایمنی لازم به کارگران معدن است، مواردی که در گزارش مجلس شورای اسلامی نیز به آن اشاره شده است و پیش‌تر دادستان استان خراسان جنوبی و بازپرس پرونده حادثه معدن طبس گفته بود کوتاهی در مورد «نبود ایمنی در این معدن تأیید شده و این قصور متوجه مسئولان معدن است.»

فرسوده و قدیمی بودن تجهیزات و ماشین‌آلات در اغلب معادن زغال‌سنگ از یک سو مشکلاتی را پدید آورده و از سوی دیگر، تجهیزات ایمنی نظیر دستگاه‌های هشداردهنده گازهای خطرناک، سیستم‌های ضدجرقه، تهویه مطلوب و امکانات مربوط به نگهداری از سقف و دیواره‌های معادن به شدت ناکارآمد هستند و هر لحظه این خطر وجود دارد که با انفجاری مهیب و یا ریزش سقف و دیواره‌ها، معدنکاران جانشان را ازدست بدهند و تقریبا اغلب کارشناسان تأیید کرده‌اند که وضعیت ایمنی معادن زغال‌سنگ کشور از استانداردهای مرسوم خارج است و در شرایطی که معدن طبس دارای کاستی‌های متعددی بوده، کارفرما، کارگران را به خدمت گرفته است!

یک ماه و نیم پس از وقوع این رخداد تلخ، کمیسیون‌های صنایع و معادن، اجتماعی و اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی «قصورجدی» مسئولان معدن در تأمین شرایط ایمن و دستگاه‌های نظارتی، عدم توجه آن‌ها به هشدار کارگران و «افزایش غلظت گازمتان» را به‌عنوان عوامل اصلی حادثه این معدن اعلام کردند. در این گزارش که روز نخست آبان ماه در صحن علنی مجلس شورای اسلامی قرائت شد، آمده قصور مسئولان معدن موجب شد ۱۵ دقیقه زمانی که وجود داشت تا به کارگران اطلاع دهند به دلیل انتشار گاز مونوکسیدکربن در بلوک «بی» معدن، باید محوطه بلوک «سی» را ترک کنند، از دست رفت و انفجار رخ داد.

شرکت معدنجو یک شرکت خصوصی است که در منطقه معدنی پرورده سه طبس فعالیت می‌کند و سه بلوک دارد که این سانحه در بلوک «سی» که یکی از کارگاه‌های استخراج زغال‌سنگ است و پس از آن در بلوک «بی» به وقوع پیوسته. از آغاز سال جاری تابیش از وقوع انفجار در معدنجو، بیش از ۱۰ حادثه مرگبار در معادن کشور روی داده که در مجموع منجر به جان باختن ۱۳ نفر شده است. همچنین پیش‌تر گزارش شده بود که در دهه نود بیش از ۳ هزار حادثه در معادن کشور رخ داد که موجب کشته شدن بیش از ۴۳۰ معدنچی و آسیب دیدگی حدود ۱۳ هزار کارگر دیگر شد. اگر حوادث غیرمرگبار نیز محاسبه شوند، براساس آمارهای رسانه‌ها، تقریبا هر روز یک حادثه در معادن کشور به‌ویژه در معادن زغال‌سنگ رخ داده و از این نظر، معادن زغال‌سنگ در صدر حوادث مربوط به معادن ایران قرار دارند، اما اکنون با میزان بالای تلفات انسانی حادثه معدنجو، توجه‌ها بیش از هر زمان دیگری به موضوع امنیت معادن جلب شده است.

براساس گزارش مشترک کمیسیون‌های صنایع و معادن، اجتماعی و اصل ۹۰ در مورد حادثه انفجار معدن زغال سنگ معدنجو، وقوع حوادث متعدد با تعداد کشته‌های بالا در معادن زغال سنگ کشور نشان می‌دهد که سلسله بازرسی‌ها و نظارت‌های فعلی دارای اشکالات متعدد است و موجب عدم تأثیرویژه آیین‌نامه ایمنی معادن در روند حوادث این معادن شده است.

در این گزارش که از سوی «زهرا سعیدی» سخنگوی کمیسیون صنایع و معادن در صحن علنی قرائت شده، درباره علت حادثه به تخلفاتی چون: «فقدان نظارت برنقشه‌های تهویه معدن معدنجو، عدم انجام عملیات گاززدایی پیش‌ازاستخراج معدنجو، تأخیر در اعلام وقوع انفجار به مراجع ذی‌صلاح، عدم نظارت مؤثر و اتخاذ سازوکار رفع قطعی ایرادات توسط بازرسان کار و کارشناسان بهداشت حرفه‌ای، عدم توجه به هشدار کارگران، ضعف نظام نظارتی وزارت صنعت، معدن و تجارت در حوزه معادن وصنایع معدنی و عدم ارائه آموزش‌های ایمنی لازم به کارگران معدن به عنوان موارد تخلف، سوء مدیریت و عدم اجرای وظایف قانونی محوله در حادثه انفجار معدن معدنجوی طبس» اشاره شده است.

در بخش پنجم گزارش هجده صفحه‌ای کمیسیون‌های صنایع و معادن، اجتماعی و اصل ۹۰ قانون اساسی مجلس در تحلیل وقوع حادثه آمده است: «باتوجه به مجموع بررسی‌ها محرز است که نقطه آغاز حادثه معدن معدنجو، انفجار ناشی از تجمع بیش از حد مجاز گازمتان بوده است. مطابق با بررسی‌های اولیه صورت گرفته، به نظر می‌رسد این افزایش غلظت در ابتدا به دلیل عدم کارایی مناسب سیستم تهویه و در ادامه به دلیل حفاری غیراصولی و ریزش بخشی از توده گام اول استخراج کارگاه بوده که منجر به افزایش غلظت گاز متان در آن محل شده است.» این گزارش نقص اول را چنین توصیف کرده است: «باتجمع گازمتان به‌دلیل عدم وجود سیستم مانیتورینگ گاز، حسگرهای دقیق ثابت و سیستم‌های هشدار خودکار، اطلاع‌رسانی به موقع صورت نپذیرفته است. همین امر منجر به آن شده که کارگران، کارگاه استخراج را سریعا ترک نکرده‌اند.»

بر اساس این گزارش نقص دوم این معدن: «باعبور غلظت گازمتان از حد مجاز، با کوچک‌ترین شعله یا جرقه، انفجار رخ می‌دهد و منشأ جرقه می‌تواند عوامل متعددی همچون تجهیزات برقی و الکترونیکی، برخورد ابزارآلات و یا واگن‌ها با سنگ، دستگاه‌های نامطمئن - ضد حریق نبودن - و سایر موارد باشد. با توجه به نتایج بررسی‌های اولیه، انفجار اول در بلوک «سی» احتمالا پس از افزایش غلظت گازمتان به شرح پیش گفته، به دلیل ادامه فعالیت تجهیزات موجود (در فقدان وجود سیستم‌های ایمنی هشدار و قطع کن) رخ می‌دهد.»

در موضوع نقص سوم معدن این گزارش اعلام کرده است: «به استناد نتایج اولیه گزارش‌های حاصل ازبررسی کارشناسان، پس از رخداد انفجار اول، موج حاصل از آن و وجود گرد زغال باعث می‌شود تا دو انفجار بی‌درپی دیگر در کارگاه‌های مجاور به فاصله زمانی جزیی اتفاق بیفتد و لذا در مجموع در بلوک «سی» سه انفجار به‌دلیل غلظت غیرمجاز گاز متان اتفاق افتاده است.

یک ماه و نیم پس از وقوع رخداد تلخ طبس، کمیسیون‌های صنایع‌ومعادن، اجتماعی و اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی «قصورجدی» مسئولان معدن در تأمین شرایط ایمن و دستگاه‌های نظارتی، عدم توجه آن‌ها به هشدار کارگران و «افزایش غلظت گاز متان» را به‌عنوان عوامل اصلی حادثه این معدن اعلام کردند

لازم به ذکر است مطابق با آیین‌نامه ایمنی معادن، زهکشی گاز بایستی به صورت مستمر در معادن انجام شود که این امر در معدن معدنجو انجام نشده است.»

این گزارش در مورد نقص چهارم معدن معدنجو می‌نویسد: «متأسفانه خطادرنحوه انجام عملیات استخراج زغال سنگ و ریزش بخشی از توده در حال استخراج و تشدید غلظت گاز متان و عدم تهویه سریع آن به دلیل ناکارآمدی سیستم تهویه، فقدان سیستم مانیتورینگ و تجهیزات گازسنجی ثابت گاز و سیستم‌های قطع کن منجر به وقوع انفجارها در بلوک «سی» و فوت ۲۱ نفر از کارگران در این بلوک می‌شود. در ادامه، ایجاد و انتشار قابل توجه گاز مونوکسیدکربن حاصل شده از انفجار گاز متان و اشتعال ناقص گرد زغال سنگ در بلوک «سی» و انتقال به وسیله سیستم تهویه (فن مکشی) که بدون رعایت الزامات فنی مقتضی تعبیه شده بوده به کارگاه «بی» منتقل شده است.

این گزارش در موضوع نقص پنجم معدن می‌نویسد: «لازم به اشاره است در این فاصله زمانی، جهات مکش و دهش در سیستم تهویه تغییر نکرده و حتی فن‌های منصوبه بین دو بلوک «بی» و «سی» هم متوقف نشده‌اند.»

در بخش نقص ششم گزارش معدن معدنجو آمده است: «درنهایت ۲۹ نفر از کارگران مشغول به کار در بلوک «بی» به دلیل افزایش بیش از حد گاز «س او» و عدم استفاده از کپسول خودنجات به دلیل نبود سیستم اطلاع رسانی و تجهیزات گازسنجی و هشدار خودکار، دچار مرگ خاموش شده‌اند.»

طبق این گزارش نقص هفتم معدن؛ «با اضافه شدن ۳ نفر از ۱۷ نفر مصدوم این حادثه به فوتی‌ها، مجموع جان باختگان حادثه معدن معدنجوی طبس به ۵۲ نفر می‌رسد.»

بررسی عملکرد متولیان حوزه نظارت و بازرسی معادن در موضوع حادثه

بخش دیگری این گزارش، به بررسی عملکرد متولیان حوزه نظارت و بازرسی معادن پرداخته و آمده است: «گزارش‌های وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی مطابق مفاد ماده ۹۶ قانون کار، این وزارت خانه مسئول انجام بازرسی از کارگاه‌ها شناخته شده است، براساس بررسی‌ها «فرآیند بازرسی‌های وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی همچنان به‌صورت کاغذی و به‌شیوه‌های سنتی انجام می‌شود. عدم اطلاع به موقع و برخط کمیته حفاظت فنی و ایمنی کار استان و بخش ستادی وزارت خانه‌های ذی‌ربط از وضعیت بازرسی معادن به صورت برخط، سبب شده تا امکان تصمیم‌گیری و نظارت‌های کلان از دستگاه‌های مذکور سلب شود. در همین راستا، طبق گزارشات متعدد از ابتدای سال ۱۴۰۱ تا نیمه سال ۱۴۰۳ دوازده مرتبه بازرسی از کارگاه معدنجو طبس انجام گرفته که آخرین آن در مورخ ۱۹ شهریور ۱۴۰۳ صورت پذیرفته است. نکته جالب توجه آن است که در گزارش‌های بازرسی وزارت کار به برخی از نقایص اصلی ایمنی معدن معدنجو مانند فقدان سیستم مانیتورینگ و ضرورت ضدجرقه بودن کلیه دستگاه‌ها موضوع مواد ۳۸۴-۳۸۷-۳۹۹-۳۹۷ و ۴۰۰ آیین نامه ایمنی در معادن، موضوع ماده ۸۵ قانون کار اشاره‌ای نشده و تنها در دو گزارش، نقص اجرای ماده ۳۸۳ آیین نامه ایمنی در معادن مربوط به گاززدایی و ماده ۳۸۲ همان آیین نامه (اجرای مقررات ویژه تهویه معادن زغال سنگ) در دو بازرسی مورد توجه قرار گرفته است.»

در ادامه این بخش با اشاره به این نکته که «نقایص یادشده در فرآیند حادثه تأثیر قطعی داشته‌اند» آمده است: «اصولا در تمام دفعات بازرسی، سازوکار مؤثری توسط بازرسان کار وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و واحدهای تابعه استانی و شهرستانی برای رفع ایرادات شناسایی شده اتخاذ نشده است.» به این ترتیب هر حادثه‌ای که در معادن زغال کشور اتفاق می‌افتد موجب به خطر افتادن جان ده‌ها کارگر، تکنسین و مهندس و از بین رفتن سرمایه‌های دولت و بخش خصوصی می‌شود و عجیب‌تر آنکه به اذعان علیرضا نثاری نماینده نهاوند، انفجار و حادثه در معادن در حال تبدیل شدن به یک روند عادی است که نباید سهل‌انگاری‌ها عادی‌انگاری شود، ۱۷ هزار کارگر مشغول در معادن در خطر بوده و در صورت تداوم بی‌توجهی به قوانین ایمنی شاهد تکرار این گونه حوادث خواهیم بود. این در حالی است که به گفته این نماینده مجلس زمزمه‌هایی درباره بازگشایی معدن طبس با همان شرایط شنیده می‌شود. نثاری می‌گوید: «نباید به موضوع نظارت بر رعایت قوانین و مسائل ایمنی بی‌توجهی شود. وزارت صمت و وزارت بهداشت و سایر دستگاه‌های مرتبط نسبت به این موضوع توجه لازم را داشته باشند.»

معمولا به دلیل عدم توجه به فصل چهارم قانون کار و به دنبال آن، عدم رعایت اصول و دستورالعمل‌های ایمنی در محیط کار خصوصا معادن زیرزمینی و همچنین سهل‌انگاری کارشناسان و بازرسان مربوطه در اجرای دقیق اصول ایمنی محیط کار، چنین اتفاقات ناگوار و دلخراشی رخ می‌دهد و هرساله با وقوع این حوادث چندین کمیته تخصصی و کارگروه تشکیل می‌شود و پس از مدتی، همه چیز به فراموشی سپرده می‌شود. علی‌رغم این‌که بخش پیشگیری، اهمیت بسیار بالایی دارد، روال این گونه است که منتظریم حادثه‌ای رخ دهد و بعد از آن ده‌ها کارگروه و کمیته تشکیل می‌دهیم که ماجرا را بررسی کنند. اما به گفته جلیل میرمحمدی، نماینده تفت و میبد، آنچه اهمیت دارد، توجه به اصل پیشگیری است. میرمحمدی تأکید می‌کند: «معمولا پس از قرائت گزارش‌های نظارتی و راجاع آن به قوه قضائیه هیچ اتفاقی نمی‌افتد که نمونه آن کلینیک سیناست. در معدن طبس نیز بازدیدهایی از سوی مراجع مختلف همچون وزارت صنعت، معدن و تجارت صورت گرفت اما هیچ گونه اتفاقی رخ نداد. انتظار می‌رفت که قبل از وقوع حادثه پیشگیری‌هایی صورت بگیرد و فعالیت‌های معدنی روزآمد شود تا شاهد این وضعیت نباشیم.»

ضعف مفرط آموزش به کارگران معادن

به نظر می‌رسد از زمان آغاز برداشت ذخایر معدنی تا به امروز، میزان توجه به روزآمدی فعالیت‌های معدنی نسبت به رشد تعداد معادن سرعت بسیار کمتری داشته و حتی در بسیاری از موارد، بهره‌برداران نسبت به رعایت نکات ایمنی کم‌توجه شده اند. آن‌طور که بهرام اکرمی، کارشناس حوزه معدن به «ما» می‌گوید: «وجود خودنجات یک الزام برای انجام فعالیت معدنی است، اما معادن ما یا خودنجات ندارند یا اگر هم داشته باشند تاریخ مصرفشان گذشته است. حتی بسیاری از کارگران کار با خودنجات را بلد نیستند. بسیاری از معادن گازسنج ندارند و دستگاه‌های تهویه نیز که نقش بسیار مهمی در معادن زیرزمینی دارند، فاقد استاندارد لازم‌ند و حتی برخی تجهیزات ایمنی سال‌هاست که تعویض نشده‌اند. متأسفانه ضعف تجهیزات ایمنی از کفش و کلاه ایمنی تا تجهیزات فنی معدن به مسئله‌ای عادی بدل شده است.» اکرمی، یکی دیگر از چالش‌های حوزه معدن را ضعف آموزش بیان می‌کند و می‌افزاید: «جای خالی آموزش برای مدیران، بهره‌برداران و کارگران در معادن کاملا احساس می‌شود. نظام مهندسی معدن می‌تواند برای برگزاری دوره‌های آموزشی کمک کند و برنامه‌ریزی داشته باشد، اما متأسفانه تا زمانی که بهره‌بردار بخش خصوصی مجبور نشود برای آموزش اقدام نمی‌کند، درحالی که کارگر معدن پیش از ورود به معدن باید آموزش‌های حرفه‌ای لازم را ببیند و بعد برای استخراج وارد تونل شود. ورود جدی ادارات کار و صمت برای مجاب کردن بهره‌برداران معادن به منظور جدی گرفتن آموزش کارگران، ضروری است. تجربه ثابت کرده تا زمانی که از مرکز به بهره‌برداران فشار وارد نشود، آن‌ها از دوره‌های آموزشی استقبال نمی‌کنند، درحالی که با آموزش دادن کارگران و مدیران می‌توان تا ۴۰ درصد خطرات کار در معادن را کاهش داد.» این کارشناس با تأکید براین که در اغلب معادن، برخی تجهیزات ایمنی سال‌هاست که تعویض نشده‌اند، عنوان می‌کند: «زنگ خطر معادن سال‌هاست به صدا درآمده و تمام آن‌ها مستعد بروز حوادث متعددی هستند، معدنکاری یک فن و تخصص است و ایمنی معادن سرفصل‌های مشخصی دارد که بهره‌بردار باید رعایت کند. در غیر این صورت باید برخورد قانونی و اثرگذار صورت بگیرد. البته با تعطیلی موقت معادن مخالف هستم. تعطیلی موقت برای جریمه بهره‌برداران خروجی مناسبی ندارد و باید راهکارهای مناسب‌تری در نظر گرفت. زیرا تعمیر و نگهداری معادن بعد از تعطیلی موقت هزینه زیادی دارد که در نهایت منجر به بروز مشکل در پرداخت حقوق کارگران همان معدن می‌شود.» اکرمی، استقلال نداشتن مسئولان ایمنی معادن را نیز عاملی در ضعف ایمنی معادن دانسته و خاطرنشان می‌کند: «در معادن زغال سنگ مسئول ایمنی داریم، اما باتوجه به این که حقوق خود را باید از بهره‌بردار دریافت کنند طبیعتا مستقل نیستند و نمی‌توانند رسالت نظارتی خود را به درستی ایفا کنند. این عدم استقلال مسئولان فنی از نظر مالی روند نظارتی بر معادن را با چالش مواجه می‌کند.»

چگونه پلاستیک به مشکلی چنین بزرگ تبدیل شد؟

امروزه پلاستیک یکی از عمده‌ترین آلاینده‌های طبیعت است، اما چرا و چگونه به این نقطه رسیدیم، ماجرای استفاده از آن چیست و چگونه به آلاینده‌ای فراگیر بدل شد؟ در این نوشته به پرسش‌هایی ازاین‌دست می‌پردازیم.

پلاستیک همه جا را فراگرفته است، چه در آب و چه در خشکی، از اقیانوس‌ها و رودها و دریاها گرفته تا صحراها و بیابان‌ها و کوهستان‌ها، جایی نیست که پای پسماندهای پلاستیکی به آنجا نرسیده باشد. برای آنکه دراین‌باره دیدگاهی کلی به دست آوریم و دریابیم که پای پلاستیک به کجاها بازشده بد نیست بدانیم که طبق پژوهشی که سال ۲۰۲۰ انجام شده اگر روندهای کنونی به همین‌سان ادامه یابد تا سال ۲۰۵۰ تقریبا همه پرندگان دریایی در بدن خود پلاستیک خواهند داشت. اگر بدانیم که پلاستیک چه تاریخچه کوتاهی دارد شگفت‌زده خواهیم شد از این که چگونه به این سرعت همه جا را گرفته و به معضلی چاره‌ناپذیر در محیط زیست تبدیل شده است!

واژه پلاستیک در معنای مرتبط با «انعطاف‌پذیری و به‌آسانی شکل‌پذیری» پیشینه‌ای دراز دارد اما نخستین بار در ۱۹۰۹ به معنای ماده‌ای خاص که یکی از گونه‌های پلیمر است به کار رفته است. پلیمرها یک دسته از درشت ملکول‌ها هستند که از شمار بالایی واحد تکرارشونده ساخته می‌شوند. پلاستیک ماده‌ایست که با انعطاف و شکل‌پذیری و قالب‌پذیری شناخته می‌شود که این ویژگی در فرآگیر و پرکاربرد شدن این ماده بسیار مؤثر بوده است. پلیمرها همیشه در طبیعت وجود داشته‌اند؛ برای نمونه، چوب یک جور پلیمر طبیعی است و پروتئین هم گونه‌ای پلیمر طبیعی است. اما پلاستیک یک جور پلیمر است که مصنوعی است و در دو سده اخیر به دست انسان ساخته و پرداخته شده است. صنعت پلاستیک با جنگ جهانی دوم جان گرفت. در دهه ۱۹۴۰ میلادی بود که قدرت‌های نظامی در کشورهایی چون آلمان و ایالات متحده بودجه‌هایی هنگفت صرف کردند و امکانات پژوهشی را به کار بستند تا پلاستیک را هرچه بهتر و باکیفیت‌تر گردانند چراکه پلاستیک ماده‌ای بود که در زمان جنگ بسیار به کار می‌آمد. گرچه پیش از آن زمان سازندگان هیچ‌گاه پلاستیک را ماده درخوری نمی‌دانستند، با آغاز جنگ فلزهایی چون مس و آلومینیوم و استیل و روی که در جنگ به کار می‌آمد هرچه گرانتر شد و درنتیجه سازندگان رو آوردند به پلاستیک. چنین بود که جنگ جهانی دوم که جهان را دگرگون و زیروزبر کرد و دوران نو پدید آورد از این بابت نیز طلیعه دورانی نو بود - دوران پلاستیک!

اما جنگ نبود که پلاستیک به کالایی مصرفی تبدیل شد. تا چندی پس از جنگ هنوز فرهنگ صرفه‌جویی و باکم ساختن و باز کاربرد و استفاده دوباره و چندباره از کالاها رایج بود، فرهنگی که تا اندازه زیادی از حال‌وهوای دوران جنگ برآمده بود. باکندوکاو در تاریخچه تولید پلاستیک در دهه ۱۹۵۰ به سخنی برمی‌خوریم از شخصی به نام لوید استوفر که در آن زمان سردبیر مجله «بسته‌بندی مدرن» بود. او در سال ۱۹۵۶ در این باره گفته است: «آینده پلاستیک در سطل زباله است... زمان آن فرارسیده که صنعت پلاستیک دیگر بسته‌بندی‌های «بازکاربرد» (یعنی قابل استفاده دوباره و چندباره) تولید نکند و بر تولید محصولات یکبارمصرف متمرکز شود. چراکه این کسب‌وکاریست که هرروزه از نو زنده می‌شود و درحد میلیاردها واحد کالا بزرگی دارد.

بدین‌سان تولید انبوه و تبدیل پلاستیک به کالای مصرفی و یکبارمصرف پدیده‌ای نسبتا جدید است و از حدود نیم سده پس از اختراع پلاستیک آغاز شد. برای همین وقتی سخن از تاریخچه تولید انبوه پلاستیک است معمولا از سده نوزدهم و دهه‌های آغازین در سده بیستم می‌گذرند و اغلب از جایی پس از دهه ۱۹۵۰ آغاز می‌کنند. پیش از آن زمان گرچه پلاستیک تولید می‌شد اما خبری از تولید انبوه پلاستیک در شکل انواع واقسام کالاها نبود.

جالب است که تا چند دهه پس از اختراع پلاستیک هنوز آن را برای محیط زیست بد نمی‌دانستند. بلکه برعکس درآغاز تصور می‌شد به کارگیری پلاستیک برای طبیعت و محیط زیست خوب است. این نگاه زیست‌محیطی به پلاستیک در آن زمان دلایلی خاص خودش را داشت. پلاستیک را می‌شد جایگزین برخی فرآورده‌های کاغذی کرد تا درختان را برای تولید کاغذ قطع نکنند. همچنین پلاستیک جایگزین خوبی برای مواد طبیعی بود که کمیاب بودند و کم کم داشتند تمام می‌شدند. برای نمونه، پلاستیک جایگزین خوبی برای عاج، شلاک و لاک لاک‌پشت بود، موادی که هریک در صنعت‌های گوناگون کاربرد داشتند.

امروزه اما همه جا می‌شنویم و می‌خوانیم که پلاستیک طبیعت را می‌آلاید. به طور کلی امروزه آلودگی و آلایندگی محیط زیست گفتمانی بسیار رایج است. برای همین بد نیست بدانیم که آلودگی و آلایندگی هم در این معنا خودانگاره‌هایی نوین هستند که پیشینه چندان درازی ندارند. در حقیقت وقتی از آلودگی یا آلایندگی برای محیط زیست سخن می‌رود معنای علمی این واژه‌ها مورد نظر است، معنایی که در سده نوزدهم پا گرفت.

تاریخ آلودگی و آلایندگی در معنای جدید با معادله معروف به استریتر - فلپس آغاز می‌شود، معادله‌ای که «ظرفیت آلاینده‌پذیری» آب را نشان می‌دهد. این معادله را «ه.و. استریتر» و «ارل برنارد فلپس»، دو مهندس بهداشت محیط (رشته‌ای که در آن زمان هنوز نوبنیاد بود)، به سال ۱۹۲۵ به دست آوردند. از آن زمان معنای جدید آلودگی و آلایندگی رایج شد. انگاره «ظرفیت آلاینده‌پذیری» امروزه در دانش‌های محیط زیست بسیار رایج است. همچنین بسیاری از سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها در زمینه محیط زیست برپایه این انگاره انجام می‌شود.

با این معادله و با انگاره «ظرفیت آلاینده‌پذیری» بود که دیدگاهی «علمی» درباره آلودگی نیز رایج شد، این که آب یا خاک یا هوا یا به طور کلی طبیعت می‌تواند خود را پاک گرداند و از آلودگی بپیراید یعنی توانایی خودپاکسازی دارد ولی وقتی آلودگی از اندازه معینی گذشت دیگر خودپاکسازی شدنی نیست؛ از این گذشته، طبق دیدگاه علمی در زمینه